



The semantics of the word "strength" in the noble verse "Men are strength over women" with emphasis on the views of Imami and Sunni jurists

Hossein Andalib¹

¹ Department of Islamic Studies, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran. hoseinandalib@iau.ac.ir
(Corresponding author)

Abstract

This study examines the concept of family presidency in Iranian law and the five Islamic schools of thought (madhāhib khamsa) while conducting a comparative analysis of these two legal systems. The family, as the most fundamental social institution, has garnered significant attention across various cultures and legal frameworks, with the presidency over this institution being a subject of extensive debate and scrutiny in numerous laws. In Iranian law, family presidency is assigned to men based on verse 34 of Surah An-Nisa and Article 1105 of the Civil Code; however, this authority is constrained by specific duties and responsibilities that men must fulfill toward their family and spouse. The primary objective of this research is to conduct a comparative study of family presidency in Iranian law and the madhāhib khamsa. The main research question is: What are the characteristics and limits of family presidency in Iranian law and the madhāhib khamsa? Furthermore, the primary hypothesis posits that, in Iranian family law, a man's qiwāmah (guardianship) over a woman constitutes a duty rather than a privilege or supremacy, essentially obligating men to effort and diligence. This study is applied in nature and employs a descriptive-analytical method to describe and interpret existing conditions. Data has been gathered through library research and the examination of credible sources. A key innovation of this research lies in the fact that no prior domestic or international study has specifically addressed the comparative analysis of family presidency in Iranian law and the madhāhib khamsa, thereby marking this study as novel. The madhāhib khamsa also exhibit divergent interpretations of this concept, which this research explores and compares. The study aims to identify the commonalities and differences between Iranian law and the madhāhib khamsa, offering practical insights for a deeper understanding of the concepts of presidency and qiwāmah. To this end, the notion of presidency, along with the responsibilities and rights of men within the family, is analyzed across each school of thought, while contemporary social and legal developments are also considered. This research can contribute to a better elucidation of the legal principles and foundations of family presidency in Islamic societies.

Keywords: Family, Presidency, Madhāhib Khamsa (Five Islamic Schools of Thought), Iranian Law

Doi: 10.71914/lrit.2025.9071226184

Received: 2025/04/14; Accepted: 2025/05/20; Published online: 2025/07/01

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Islamic Azad University of Qom



<https://sanad.iau.ir/journal/LRIT>

معناشناسی واژه «قوامیت» در آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» با تأکید بر دیدگاه‌های فقیهان امامیه و اهل سنت

حسین عندلیب^۱

^۱ گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) hoseinandalib@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ریاست بر خانواده در حقوق ایران و مذاهب خمس می‌پردازد و به تحلیل تطبیقی این دو نظام حقوقی می‌پردازد. خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، در بسیاری از فرهنگ‌ها و نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است و ریاست بر این نهاد در بسیاری از قوانین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در حقوق ایران، ریاست خانواده بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی به مرد واگذار شده است، اما این ریاست محدود به تکالیف و مسئولیت‌های خاصی است که در قبال خانواده و همسر خود باید رعایت کند. هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی ریاست بر خانواده در حقوق ایران و مذاهب خمس است. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: ویژگی‌ها و حدود ریاست بر خانواده در حقوق ایران و مذاهب خمس چیست؟ همچنین فرضیه اصلی بیان می‌دارد که در حقوق خانواده ایران قوامیت مرد بر زن یک تکلیف است، نه اشراف و امتیاز و درحقیقت الزام مرد به تلاش و واداشتن او به کار و کوشش می‌باشد. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود که به توصیف و تفسیر شرایط موجود می‌پردازد. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع معتبر جمع‌آوری شده است. این مطالعه در این است که تاکنون هیچ پژوهش داخلی یا خارجی به‌طور خاص به تطبیق ریاست بر خانواده در حقوق ایران و مذاهب خمس نپرداخته است بنابراین این پژوهش دارای نوآوری می‌باشد. مذاهب خمس نیز در تفسیر این موضوع اختلافاتی دارند که این پژوهش به بررسی و مقایسه این دیدگاه‌ها پرداخته است. این تحقیق تلاش دارد تا وجوه اشتراک و افتراق میان حقوق ایران و مذاهب خمس را بررسی کرده و به نتایج کاربردی برای فهم دقیق‌تر مفاهیم ریاست و قوامیت دست یابد. از این رو، مفهوم ریاست، مسئولیت‌ها و حقوق مرد در خانواده در هر یک از مذاهب مورد بررسی قرار گرفته و تحولات اجتماعی و حقوقی معاصر نیز در نظر گرفته شده است. این مطالعه می‌تواند به تبیین بهتر اصول و مبانی حقوقی ریاست خانواده در جوامع اسلامی کمک نماید.

کلمات کلیدی: قوامیت؛ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ خانواده؛ ریاست؛ مذاهب خمس؛ حقوق ایران.

Doi: 10.71914/Irit.2025.9071226184

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

نویسندگان: © نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



<https://sanad.iau.ir/journal/LRIT>

۱. مقدمه

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی و سنگ بنای جامعه، از دیرباز مورد توجه ادیان آسمانی و نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. در میان مسائل متعدد مرتبط با این نهاد مقدس، موضوع مدیریت و ریاست خانواده یکی از محوری‌ترین مباحث به شمار می‌رود که تأثیر مستقیمی بر کیفیت روابط زوجین و سلامت کانون خانوادگی دارد. این مسئله که چه کسی باید زمام امور خانواده را در دست گیرد و حدود اختیارات و مسئولیت‌های وی چیست، همواره محل بحث و گفتگو بوده است. در تعالیم اسلامی، خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد و قرآن کریم در آیات متعددی به تنظیم روابط خانوادگی پرداخته است. آیه ۳۴ سوره نساء با بیان "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ" ریاست و قومیت را به مردان اختصاص داده است. این حکم الهی که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در قالب ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی تجلی یافته، مبنای اصلی ریاست مرد بر خانواده را تشکیل می‌دهد. اما این ریاست به معنای حاکمیت مطلق و بی‌قید و شرط نیست. در واقع، قومیت مفهومی چندبُعدی است که در کنار اختیارات، مسئولیت‌ها و تکالیف سنگینی را نیز بر دوش مرد می‌گذارد. تأمین نفقه، حفظ کرامت اعضای خانواده، مشورت در امور مهم و رعایت مصالح خانوادگی از جمله این مسئولیت‌هاست. از این منظر، ریاست بیش از آنکه امتیازی برای مرد محسوب شود، تکلیفی است که باید با رعایت عدالت و انصاف اجرا گردد. اهمیت بررسی این موضوع در عصر حاضر که شاهد تحولات عمیق اجتماعی و تغییر نقش‌های جنسیتی هستیم، دوچندان شده است. از یک سو، برخی با استناد به اصول برابری و حقوق بشر، هرگونه تمایز در حقوق زن و مرد را نفی می‌کنند و از سوی دیگر، عده‌ای با تفسیری افراطی از مفهوم قومیت، آن را دستاویزی برای سلطه‌گری و محدودسازی حقوق زنان قرار می‌دهند. در این میان، ضرورت دارد با نگاهی متعادل و علمی، ماهیت واقعی ریاست مرد بر خانواده تبیین شود. آنچه اهمیت این پژوهش را بیشتر می‌کند، رویکرد تطبیقی آن است. بررسی دیدگاه مذاهب خمس اهل سنت در کنار فقه امامیه، امکان مقایسه و تحلیل عمیق‌تر این موضوع را فراهم می‌آورد. مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی هر یک با توجه به مبانی اصولی و فقهی خود، تفاسیر و احکام خاصی در این زمینه دارند که شناخت آنها می‌تواند به غنای بحث بیفزاید. این مطالعه تطبیقی نه تنها به شناسایی نقاط اشتراک و افتراق میان مذاهب اسلامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راه‌حل‌های متنوعی برای چالش‌های معاصر در حوزه روابط خانوادگی ارائه دهد. در واقع، با بررسی دقیق آرای فقهای مذاهب مختلف و تحلیل مستندات قرآنی و روایی آنها، می‌توان به درک جامع‌تری از فلسفه احکام مربوط به ریاست خانواده دست یافت. از سوی دیگر، توجه به واقعیت‌های اجتماعی و تحولات زمانه ضروری است. امروزه با افزایش سطح تحصیلات زنان، حضور فعال آنها در

عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، و تغییر الگوهای سنتی خانواده، نیاز به بازخوانی و تفسیر متناسب با شرایط زمان احساس می‌شود. این بازخوانی باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ اصول ثابت شرعی، پاسخگوی نیازهای جامعه معاصر نیز باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین جامع مفهوم ریاست بر خانواده، بررسی حدود و ثغور آن، و مقایسه دیدگاه‌های فقهی مذاهب اسلامی، تلاش می‌کند تا ضمن پاسخ به ابهامات موجود، مسیری روشن برای تحقق عدالت و توازن در روابط خانوادگی ترسیم نماید. امید است این پژوهش بتواند گامی در جهت فهم صحیح احکام اسلامی و کاربست مناسب آنها در زندگی معاصر باشد.

۲. بیان مسأله

امروزه با وجود تحولات گسترده اجتماعی و تغییر ساختارهای سنتی خانواده، موضوع ریاست و مدیریت این نهاد بنیادین بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. خانواده به عنوان رکن اصلی جامعه اسلامی-ایرانی، همواره تحت تأثیر دو منبع اصلی احکام شرعی و قوانین موضوعه قرار داشته است. در نظام حقوقی ایران، مطابق آیه ۳۴ سوره نساء "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ" و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، ریاست خانواده بر عهده مرد قرار داده شده است. این ریاست که در ظاهر ممکن است نوعی برتری تلقی شود، در واقع مجموعه‌ای پیچیده از حقوق و تکالیف متقابل است که نیازمند تبیین دقیق می‌باشد. مسائل اساسی متعددی در این زمینه مطرح است: آیا این ریاست امری ذاتی است یا مبتنی بر مسئولیت‌ها و تکالیف خاص؟ محدوده و قلمرو این ریاست تا کجاست؟ چگونه می‌توان میان مفهوم ریاست و سلطه تفکیک قائل شد؟ این پرسش‌ها زمانی اهمیت بیشتری می‌یابند که بدانیم در تعالیم اسلامی، اصل بر عدم سلطه انسان بر انسان دیگر است و هرگونه ولایت و سرپرستی باید در چارچوب احکام الهی و با رعایت کرامت انسانی صورت پذیرد (صفایی و همکاران، ۱۳۸۸). مفهوم قوامیت در متون اسلامی به معنای مراقبت، نگهداری، حمایت و تدبیر امور آمده است و لزوماً به معنای سلطه و تحکم نیست. بنابراین، درک صحیح از این مفهوم و تمایز آن از مفاهیمی چون "سیطره" و "تسلط" برای تحلیل جایگاه مرد در خانواده ضروری است. در بررسی‌های انجام شده پیرامون این موضوع، پژوهشگران مختلف از زوایای گوناگون به تحلیل مفهوم قوامیت پرداخته‌اند. برخی مطالعات بر جنبه‌های فقهی و شرعی این موضوع تمرکز کرده و با استناد به آیات و روایات، ماهیت ریاست مرد را تبیین نموده‌اند. گروهی دیگر با رویکردی حقوقی، به بررسی مواد قانون مدنی و تحلیل آثار و تبعات حقوقی این ریاست پرداخته‌اند. همچنین تحقیقاتی صورت گرفته که به مقایسه نظام حقوقی ایران با سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای غربی در این زمینه اختصاص یافته است. عده‌ای نیز

با نگاهی انتقادی، چالش‌های ناشی از تفسیرهای سنتی از مفهوم قوامیت را مورد واکاوی قرار داده و در پی ارائه قرائتی متناسب با شرایط معاصر برآمده‌اند. با این حال، علی‌رغم تنوع این پژوهش‌ها، همچنان ابعاد مهمی از این موضوع نیازمند بررسی عمیق‌تر است. برای نمونه، بررسی‌های انجام شده در زمینه ریاست مرد بر خانواده نشان می‌دهد که این مفهوم با مسائلی چون حق اشتغال زن، اختیار مرد در تعیین محل سکونت، حدود تمکین زوجه، و میزان مشارکت زن در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده ارتباط تنگاتنگی دارد که هر یک از این موارد در مذاهب مختلف اسلامی تفاسیر متفاوتی دارد. علی‌رغم مطالعات متعدد صورت گرفته، شکاف تحقیقاتی قابل توجهی در زمینه بررسی تطبیقی ریاست خانواده میان حقوق ایران و مذاهب خمسه اهل سنت وجود دارد. این شکاف تحقیقاتی از آن جهت حائز اهمیت است که مذاهب اسلامی در عین اشتراک در اصول کلی، در تفسیر و اجرای احکام مربوط به خانواده تفاوت‌های معناداری دارند. مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی هر یک بر اساس مبانی اصولی و روش‌های اجتهادی خاص خود، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص حدود و ثغور ریاست مرد، شرایط اعمال آن، و موارد سقوط یا محدودیت این ریاست دارند. عدم توجه کافی به این تفاوت‌ها و فقدان مطالعه‌ای جامع و تطبیقی در این زمینه، مانع از دستیابی به درک عمیق و همه‌جانبه از این نهاد حقوقی-فقهی شده است. همچنین شکاف تحقیقاتی دیگری که مشهود است، عدم پرداختن به راهکارهای عملی برای ایجاد توازن میان حفظ اصل ریاست و رعایت حقوق و کرامت همه اعضای خانواده در شرایط معاصر می‌باشد (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۵).

به عنوان مثال، در مذهب حنفی تأکید بیشتری بر آزادی عمل زن در امور مالی وجود دارد، در حالی که در مذهب مالکی، شروط سختگیرانه‌تری در رابطه با تمکین زوجه مطرح شده است. همچنین در مذهب شافعی، تفسیر خاصی از مفهوم "نشوز" ارائه شده که با دیدگاه سایر مذاهب متفاوت است. شناخت این تفاوت‌ها می‌تواند در ارائه تفسیری متوازن و کارآمد از مفهوم ریاست در شرایط کنونی مؤثر باشد. پژوهش حاضر در پی آن است تا با رویکردی تطبیقی-تحلیلی، ابعاد مختلف ریاست بر خانواده را در حقوق ایران و مذاهب خمسه مورد بررسی قرار دهد. این پایان‌نامه تلاش می‌کند تا ضمن تبیین مبانی نظری و فقهی قوامیت در هر یک از مذاهب، به شناسایی وجوه اشتراک و افتراق آنها بپردازد. همچنین در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم: مبانی و مستندات ریاست مرد در هر یک از مذاهب چیست؟ قلمرو و محدوده این ریاست چگونه تعیین می‌شود؟ شرایط و موانع اعمال این ریاست کدامند؟ چه تفاوت‌هایی میان رویکرد فقه امامیه و مذاهب اهل سنت در این زمینه وجود دارد؟ و در نهایت، چگونه می‌توان با الهام از این تنوع فقهی،

راهکارهایی برای حل چالش‌های معاصر در حوزه مدیریت خانواده ارائه داد؟ این پایان‌نامه همچنین در صدد است تا با تحلیل انتقادی دیدگاه‌های مختلف و توجه به مقتضیات زمان، چارچوبی متوازن برای فهم و اجرای اصل ریاست در خانواده ارائه نماید که هم با مبانی شرعی سازگار باشد و هم پاسخگوی نیازهای جامعه معاصر. اهمیت انجام این پژوهش در شرایط کنونی جامعه از چند جهت قابل توجه است. نخست آنکه با افزایش آگاهی‌های عمومی و ارتقای سطح تحصیلات زنان، لزوم بازنگری در برخی تفاسیر سنتی از مفهوم ریاست احساس می‌شود. دوم، پدیده‌هایی چون اشتغال زنان، افزایش مشارکت آنان در تأمین هزینه‌های زندگی، و تغییر ساختار خانواده‌ها (از گسترده به هسته‌ای) مستلزم ارائه قرائتی منعطف و کارآمد از این مفهوم است. سوم، رواج دیدگاه‌های افراطی و تفریطی در این زمینه - از یک سو برداشت‌های استبدادی از مفهوم ریاست و از سوی دیگر نفی کامل این مفهوم تحت تأثیر اندیشه‌های فمینیستی - ضرورت ارائه تفسیری متعادل و مبتنی بر مبانی اصیل دینی را دوچندان می‌سازد. چهارم، با توجه به آمار فزاینده طلاق و اختلافات خانوادگی در جامعه، بخشی از این مشکلات را می‌توان به عدم درک صحیح از مفهوم ریاست و حقوق و تکالیف متقابل زوجین نسبت داد. از این رو، پژوهش در این زمینه می‌تواند به حل این چالش‌ها کمک شایانی نماید. این مطالعه تطبیقی می‌تواند ضمن غنا بخشیدن به ادبیات موجود در زمینه حقوق خانواده، به قانون‌گذاران، قضات، مشاوران خانواده و زوجین در درک بهتر ماهیت و آثار ریاست در خانواده یاری رساند. همچنین، با شناسایی نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های مختلف، امکان انتخاب مناسب‌ترین رویکرد در مواجهه با مسائل مستحدثه را فراهم آورد. در عصری که خانواده با چالش‌های جدی مواجه است، چنین پژوهشی می‌تواند در تحکیم بنیان خانواده و ارتقای کیفیت روابط زوجین نقش مؤثری ایفا نماید.

۳. اهمیت و ضرورت

موضوع سرپرستی، تصدی، ریاست و مسئولیت به طور اعم یکی از اصلی‌ترین موضوعات در دانش حقوق است. اهمیت بررسی نهاد ریاست خانواده از آن جهت دوچندان می‌شود که خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، سنگ بنای جامعه اسلامی - ایرانی را تشکیل می‌دهد و هرگونه اختلال در عملکرد این نهاد، تأثیر مستقیمی بر سلامت جامعه خواهد داشت. در فقه اسلامی و حقوق مدنی جمهوری اسلامی ایران، سرپرستی و ریاست خانواده بر عهده مرد قرار داده شده است، اما تعیین حدود و ثغور این ریاست، شروط و علل آن مباحث مختلفی را در حقوق مدنی برانگیخته است. اهمیت این پژوهش از بُعد نظری در آن است که به مطالعه تطبیقی مفهوم ریاست در میان

مذاهب خمسه می‌پردازد و زمینه را برای فهم دقیق‌تر این مفهوم در سنت اسلامی فراهم می‌آورد. این امر به غنای ادبیات حقوق خانواده افزوده و چارچوب نظری مستحکمی برای تحلیل این نهاد حقوقی ارائه می‌دهد. ضرورت انجام چنین مطالعه‌ای از آن روست که علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه حقوق خانواده، همچنان شکاف معرفتی قابل توجهی در خصوص مطالعه تطبیقی ریاست بر خانواده در حقوق ایران و مذاهب خمسه وجود دارد. از منظر عملی، اهمیت این پژوهش در کاربردهای آن برای حل مسائل و چالش‌های معاصر خانواده‌ها نمایان می‌شود. آمار فزاینده طلاق، اختلافات خانوادگی و دعاوی مرتبط با حقوق زوجین در محاکم قضایی، نشان‌دهنده ضرورت بازنگری و تبیین دقیق‌تر مفاهیم اساسی حقوق خانواده از جمله ریاست مرد است. دستاوردهای این پژوهش می‌تواند به قضات، مشاوران خانواده، وکلا و زوجین در فهم بهتر حقوق و تکالیف متقابل و حل اختلافات موجود کمک شایانی نماید. ضرورت دیگر انجام این پژوهش، تحولات اجتماعی معاصر است. تغییر ساختار سنتی خانواده، افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان، و پدیده‌های نوظهوری چون خانواده‌های دو شغله، ضرورت بازاندیشی در مفهوم ریاست و تطبیق آن با شرایط کنونی را ایجاب می‌کند.

بدون شک، یکی از منابع مهم برای این بازاندیشی، مطالعه آرای فقهی مذاهب مختلف اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های موجود در آنهاست. اهمیت رویکرد تطبیقی در این زمینه، امکان بهره‌مندی از تجارب و دیدگاه‌های متنوع در چارچوب اندیشه اسلامی را فراهم می‌آورد. از منظر حقوقی و قانون‌گذاری نیز، ضرورت انجام این پژوهش در آن است که می‌تواند زمینه‌ساز اصلاحات قانونی در جهت تبیین دقیق‌تر حقوق و تکالیف زوجین و ترسیم حدود واقعی ریاست مرد بر خانواده باشد. اهمیت چنین اصلاحاتی در پیشگیری از سوءاستفاده احتمالی از مفهوم ریاست و حفظ حقوق و کرامت تمامی اعضای خانواده است. همچنین اهمیت این پژوهش را می‌توان در پاسخگویی به شبهات و انتقادات مطرح شده از سوی مکاتب فکری معاصر، به‌ویژه فمینیسم، در خصوص نابرابری جنسیتی در نظام حقوقی اسلام دانست. تبیین ماهیت واقعی ریاست مرد بر خانواده، نشان‌دادن تفاوت آن با مفهوم سلطه و استبداد، و توضیح فلسفه این حکم در چارچوب نظام حقوقی اسلام، ضرورتی انکارناپذیر برای دفاع از کارآمدی احکام اسلامی در عصر حاضر است. ضرورت دیگر این پژوهش، کمک به ایجاد گفتگویی میان‌مذهبی در حوزه حقوق خانواده است. در شرایطی که جهان اسلام با چالش‌های متعددی مواجه است، تقویت گفتگو و تبادل نظر میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی می‌تواند به انسجام و وحدت بیشتر امت اسلامی یاری رساند. مطالعه تطبیقی احکام مربوط به خانواده در مذاهب خمسه، گامی مؤثر در این مسیر محسوب می‌شود. فلذا اهمیت این موضوع از

چند جهت قابل بررسی است: نخست آنکه مسأله ریاست خانواده یکی از مباحث کلیدی در حقوق خصوصی و فقه اسلامی است که تأثیر مستقیمی بر روابط زوجین و ثبات خانواده دارد. دوم، بررسی تطبیقی این موضوع در مذاهب خمسسه می‌تواند به غنای ادبیات موجود در این زمینه بیفزاید و راهکارهای متنوعی برای حل چالش‌های معاصر ارائه دهد. سوم، تاکنون پژوهش‌های جامعی که به مقایسه دقیق دیدگاه‌های حقوق ایران و مذاهب خمسسه در خصوص ریاست بر خانواده بپردازد، انجام نشده است و این پژوهش می‌تواند خلأ موجود را پر کند. چهارم، دستاوردهای این پژوهش می‌تواند به تدوین الگویی متوازن و کارآمد برای مدیریت خانواده در جامعه معاصر کمک نماید؛ الگویی که ضمن حفظ اصول اساسی شریعت، پاسخگویی نیازها و مقتضیات زمان حاضر باشد. به این ترتیب، ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش از ابعاد نظری، عملی، اجتماعی و فرهنگی کاملاً مشهود است.

۴. پیشینه پژوهش

خوشکار و همکاران در سال ۱۴۰۲ در پژوهشی تحت عنوان بررسی ماهیت ریاست زوجه و تأثیر آن بر روابط اقتصادی خانواده بیان داشته‌اند که خانواده یکی از نهادهای با اهمیت جامعه است و اجتماع بشری در طول تاریخ با تغییر و تحولاتی روبه‌رو شده است. این تغییرات موجب دگرگونی در نهاد خانواده شده است که از جامعه اثر مستقیم می‌پذیرد. در این تحقیق که از نوع نظری و به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات بوده است. ملاحظات اخلاقی در تمامی مراحل نگارش رعایت شده و در این تحقیق، اصالت متون و صداقت در نقل مطالب مدنظر قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که قواعد و مقررات حقوق خانواده نیز دستخوش تغییرات شده است. ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ریاست بر خانواده را به عهده زوج گذاشته است. در نتیجه، ماهیت ریاست در خانواده و چگونگی تعلق این حکم به شارع و قانون‌گذار، همچنان ذهن فقیهان و حقوق‌دانان را مشغول کرده است و این موضوع نیاز به بررسی و تحلیل دقیق‌تر دارد.

علیدوست و لطفی در سال ۱۳۹۹ در پژوهشی تحت عنوان آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و تصدی زنان نسبت به پُست‌های متضمن ولایت به این نتیجه دست یافته است که اگرچه واژه «الرِّجَال» در لغت به معنای مردان بوده، استعمال آن بدین معنا در قرآن کریم متوفر است، ولی درباره آیه محل بحث، سیاق - که مزاحمت آن برای انعقاد ظهور، امری عرفی و قابل فهم است - مانع شکل‌گیری ظهور این واژه در معنای لغوی آن و باعث ظهور این واژه در معنای «شوهران» می‌گردد. در معنای واژه «قَوَّامُونَ» دو احتمال ولایت و رهبری یا محافظت و اصلاح امور مطرح شده است،

ولی این دو محتمل، دو معنا نیست. مدلول تصدیقی و مفاد مستقیم آیه این است: شوهران به دلیل برتری جسمی، برتری در تدبیر و تعقل و مسئولیت پرداخت نفقه، قائم بر زنان در مدیریت خانه اند، نه بیشتر. نسبت به گستره آیه، دو دیدگاه شمول و عدم شمول در میان علمای اسلام مطرح شده است. کاغذلو و حاجعلی در سال ۱۳۹۹ در پژوهشی تحت عنوان ماهیت، قلمرو و آثار ریاست مرد بر خانواده به این نتیجه دست یافته است که سرپرستی خانواده، این نهاد مهم اجتماعی به مرد وگذار شده است. برخی فقها علت این جایگاه را برتری مطلق مردان بر زنان می‌دانند و برخی دیگر معتقدند این برتری مطلق نیست و قوامیت مردان بر زنان فقط در زندگی زناشویی وجود دارد. دامنه این ریاست اعم است از امور مالی و غیر مالی. مرد باید برای قرار گرفتن در این جایگاه علاوه بر شرایط عامه تکلیف (عقل، بلوغ، رشد) شروط دیگری را دارا باشد که در این پژوهش به آن‌ها می‌پردازیم.

دوازده امامی در سال ۱۳۹۹ در پژوهشی تحت عنوان ریاست شوهر به در خانواده در جهت حمایت از افراد خانواده و استحکام خانواده به این نتیجه دست یافته است که در حالیکه انسان‌های عصر جدید باورهای خود در مورد پیوندهای سنتی را از دست داده اند و روابط افراد با یکدیگر طبیعی و از ته دل نیست مصنوعی و ظاهری است ولی گروه‌هایی هستند که هنوز اعتقاد دارند خانواده در شکل سنتی خود باید از پایداری لازم برخوردار شود. در این خصوص آنچه که حائز اهمیت است. استحکام و دوام خانواده می‌باشد و حفظ این دوام و استحکام خانواده در گرو احترام به ریاست خانواده می‌باشد در این تحقیق بحث بر سر ریاست مرد در خانواده و حفظ مردانگی مردان در خانواده می‌باشد در این تحقیق به کارکردهای ریاست مرد در خانواده و علت اینکه بهتر است ریاست خانواده در دست مرد باشد.

سینی و شاهمرادی در سال ۱۳۹۸ در پژوهشی تحت عنوان مطالعه تطبیقی حقوق غیرمالی زوج در حقوق ایران و فرانسه به این نتیجه دست یافته است که موضع حقوق فرانسه تا چند دهه پیش در رابطه با مسایل فوق، شباهت زیادی به حقوق ایران داشته است. اما تحولات و اصلاحات پیش آمده در نظام قانون‌گذاری و قضایی فرانسه، مدیریت بلامنازع مرد بر خانواده را از میان برداشته و با الگو قرار دادن مدیریت مشترک زوجین بر روابط خود، زنان را از سیطره زوج در زمینه اشتغال به کار، آزادی رفت و آمد داشتن تابعیت و تا حدودی استفاده از نام خانوادگی مشترک، خارج ساخته است. بررسی نگرش دو نظام حقوقی ایران و فرانسه در مورد حقوق غیرمالی زوج، به‌ویژه مطالعه سیر تحول اصلاحات قانونی کشور فرانسه در خصوص تغییر الگوی مدیریت خانواده از «اقتدار شوهر» به «همکاری مشترک»، با رویکردی تطبیقی و روش توصیفی-تحلیلی، از اهداف نوشتار حاضر می‌باشد.

بصیری در سال ۱۳۹۶ در پژوهشی تحت عنوان سوءاستفاده از سمت ریاست بر خانواده به این نتیجه دست یافته است که جعل این سمت، یک مزیت یا امتیاز شخصی نبوده و درحقیقت ایجاد یک مسئولیت یا وظیفه‌ی اجرایی برای زوج است. بدیهی است لازمه داشتن این سمت، اعطای حقوق و امتیازات خاصه برای سرپرست خانواده خواهد بود که بدون این حقوق ممتاز مدیریتی وی بر خانواده ناممکن یا ناکافی است. بنابراین اعطای این حقوق، یک اعطای شخصی نبوده و به منظور بهره‌مندی در اداره‌ی صحیح امور خانواده به زوج واگذار شده است. با این همه، وجود این حقوق ممتاز باعث می‌شود تا بسیاری از مردان به سوءاستفاده از این حقوق، به‌ویژه در ارتباط با همسران خود وسوسه شوند. رضایی و همکاران در سال ۱۳۹۶ در پژوهش خود تحت عنوان بررسی فقهی حقوقی ریاست مرد بر خانواده به این نتیجه دست یافته است که مراد از «قوامیت مردان بر زنان» در آیه ۳۴ سوره نساء، مسئول بودن و سرپرستی ایشان نسبت به زنان در چارچوب مسائل خانواده است. ریاست زوج بر زوجه، به طور عمده در روابط غیر مالی نمایان می‌شود؛ حقوق و تکالیف غیر مالی، رفتارهای زوجین با یکدیگر را که دارای محتوایی روانی، عاطفی و جسمی می‌باشند و نیز دیگر معاشرت‌هایی را که یک زندگی مشترک ایجاد می‌نماید، تنظیم میکنند دامنه ریاست زوج در امور غیر مالی زوجه، از دو جهت مصلحت‌اندیش «و» مراعات حقوق و آزادیهای شرعی و قانونی زن محصور می‌گردد. تجاوز از این چارچوب معین و توسعه بخشی به قلمرو ریاست شوهر، به دلیل معتبر نیاز خواهد داشت. ریاست زوج، جدا از جنبه‌های قانونی آن، امری است که ریشه در سیره و عرف دارد که واقعیتهایی غیر قابل انکار می‌باشد. مهمترین مصادیق ریاست زوج در امور غیر مالی زوجه، مسئله نظارت بر رفت و آمد، معاشرت زوجه و اشتغال وی و نیز وجود حق تادیب و تنبیه همسر است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مصطفوی فرد و ایمان دار در سال ۱۳۹۶ در پژوهشی تحت عنوان رویکرد اندیشوران شیعه به مفهوم قوامیت مرد در آیه ۳۴ سوره نساء به این نتیجه دست یافته است که مهم‌ترین مستند برای ریاست مرد بر خانواده، آیه قوامیت (نساء/ ۳۴) است که همواره مورد مناقشه محققان بوده است؛ چراکه صحبت از حقوق زنان، موضوعی رایج در محافل علمی و دانشگاهی بوده و هست و به‌ویژه با توجه به رواج جریان‌های دفاع از حقوق زنان، این رویکرد روندی رو به رشد را می‌پیماید. تحلیل‌های متفاوتی درباره قوامیت مرد ارائه شده است؛ برخی آن را مدیریت و سرپرستی مرد بر خانواده دانسته و برخی دیگر به‌ویژه در عصر اخیر و به دلیل رواج انگاره‌های دفاع از حقوق زن این آیه را به مفهوم کارگزاری و خدمتگزاری مرد در خانواده تبیین کرده‌اند و تلاش گروهی نیز بر جمع بین این دو دیدگاه

بوده است. نگارندگان با گردآوری دیدگاه‌های ارایه شده از ناحیه متفکران شیعی در این باره، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته و قومیت را به عنوان وظیفه مدیریت مرد در نهاد خانواده تبیین کرده‌اند. درسی و جریریان در سال ۱۳۹۵ در پژوهش خود تحت عنوان تحلیل فقهی و حقوقی اختیار زوج در منع زوجه در تصمیمات شخصی و خانوادگی به این نتیجه دست یافته است که با وقوع رابطه زوجیت و تشکیل خانواده بین زن و مرد حقوق و تکالیفی ایجاد می‌شود که هر یک موظف به رعایت آنها هستند و البته این حقوق و تکالیف دارای مصادیقی است از جمله زن موظف به تمکین و مواردی مانند این است و طبیعتاً یکسری حقوقی نیز دارد و در مقابل مرد نیز دارای حقوق و تکالیفی است و در کنارش مرد از نظر حقوقی و فقهی رئیس خانواده است و ضمناً می‌تواند زوجه را از یکسری تصمیمات شخصی و خانوادگی منع کند و اجازه اظهار نظر در رابطه با آنها را دارد از جمله موارد قابل ذکر اشتغال زن، خروج از منزل، مسافرت وی و مواردی مانند این که هم از لحاظ فقهی و هم از لحاظ حقوقی قابل تحلیل و بررسی بسیار زیادی است و تحلیل فقهی و حقوقی هر یک از این مصادیق موضوع مقاله فوق الذکر است.

علی احمدی و مشکوه در سال ۱۳۹۵ در پژوهش خود تحت عنوان مدیریت خانواده در اسلام ریاست خانواده و مدیریت روابط زوجین در جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر تحلیل مضمون قاعده الرجال قوامون علی النساء به این نتیجه دست یافته است که هر گاه مناط و علت حکم قومیت موجود باشد و مرد نسبت به همسر خود دارای فضیلت در علم، تقوا، توان و ... باشد و نفقه و سایر وظایف ویژه خود را انجام دهد از حق قومیت زن بر مرد و ریاست خانواده و ... برخوردار است. سپس مقاله به بررسی چند ایراد ناشی از پذیرش اصل تساوی زن و مرد، بر قاعده قومیت می‌پردازد و با تحلیل محتوای متون دینی تلاش در اعتبار و تحلیل مضمون و دفاع از قاعده قومیت رجال بر نساء دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: قاعده قومیت مردان بر زنان از دو فلسفه حقوقی پیروی می‌نماید: نخست تفاوت‌های زن و مرد در خلقت. دوم، وظایف حقوقی فوق العاده مردان بر زنان در اسلام. تحلیل حقوقی نیز ریاست مرد بر خانواده را تحلیل شرط‌ضمن عقد ازدواج گرفته است.

شوقی در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی تحت عنوان ریاست خانواده از دیدگاه اسلام به این نتیجه دست یافته است که به مرد قوام گفته می‌شود از آن جهت که اقدام به امور زن می‌کند و اهتمام به حفظ، حمایت و رعایت شئون او دارد در این راستا با توجه به این که قوانین و حقوق اسلامی از جمله حقوق خانواده، مبتنی بر حق مداری و هماهنگی با نظام تکوین است و با در نظر داشتن تفاوت‌های طبیعی زن و ۶ مرد در آفرینش، مدیریت و سرپرستی خانواده به مرد واگذار شده است. واگذاری مدیریت خانواده به مرد با ادله عقلی و نقلی از جمله آیات و روایات ثابت می‌شود.

رضاییان و همکاران در سال ۱۳۹۳ در پژوهش خود تحت عنوان قوامیت (ریاست) مرد بر زن و محدوده آن از منظر قرآن و فقها به این نتیجه دست یافته است که مسئله ریاست خانواده از جمله مباحثی که مورد توجه اسلام و فقها قرار گرفته و آیاتی متعددی در این مورد آمده که از مهمترین آن آیه ۳۴ سوره نساء است. این مقاله در صدد تبیین معنا و مفهوم ریاست است. لذا در این پژوهش با استناد به آیات قرآن کریم به مطالعه دقیق مفهوم، ماهیت و گستره ریاست مرد در رابطه زوجیت، پرداخته شده است.

میرخلیل عباس و کرمی در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی تحت عنوان دامنه ریاست زوج در امور غیر مالی زوج به این نتیجه دست یافته است که زوج حق دخالت در امور مالی زوج را ندارد، و نسبت به امور غیر مالی در راستای حفظ صلاح و حیثیت خانواده می‌تواند بر معاشرت‌ها و اشتغال زوج اعمال نظارت کند اما به بهانه اعمال ریاست خود و سرپیچی زوج، حق تنبیه و تادیب را ندارد.

پروین و حسینی در سال ۱۳۹۲ در پژوهش خود تحت عنوان شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوج به این نتیجه دست یافته است که از آنجایی که حاکمیت از آن خداوند متعال می‌باشد و اصل، عدم سلطه انسانی بر انسان دیگر است، اما به موجب آیه ۳۴ سوره نساء و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی در رابطه زوجیت، ریاست از آن شوهر می‌باشد؛ اما این امتیاز به معنای سلطه و حکمرانی بی حد و مرز شوهر بر همسر خود نیست، همانگونه که بسیاری از فقها بیان داشته‌اند: مقصود از تعبیر «الرجال قوامون علی النساء» استبداد، اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد و منظم با توجه به مسئولیتها و مشورت‌های لازم است. «ضمن آنکه براساس اصول اولیه اخلاقی و قواعد مسلم فقهی (قاعده لاضرر) می‌توان گفت، ریاست و قوامیت مرد در وهله اول یک مسئولیت و وظیفه تلقی شده و در مرحله بعد به صورت یک موقعیت برتر و دارای امکانات و اختیارات ویژه به منظور فعلیت بخشیدن به وظایف ناشی از این مسئولیت، مورد توجه قرار می‌گیرد و ریاست شوهر هیچگاه مآیه کمال و فضیلت مرد و دستاویز اجحاف بر زن و کاستی ارزش و کرامت انسانی او نیست و مرد برای عهده‌دار شدن این مسئولیت بایستی شرایط و اوصافی داشته باشد.

عظیم زاده در سال ۱۳۸۷ در پژوهش خود تحت عنوان قوامیت مرد از نگاه قرآن کریم و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان به این نتیجه دست یافته است که آن چه در قرآن کریم درباره به حقوق زن و مرد بیان شده است از حقیقت انسانی این دو موجود، فارغ از جنسیت آنان، حکایت دارد و هر کدام از آن دو با توجه به جنسیت خود از حقوق متناسبی برخوردارند که این امر اصل تعادل را در عالم آفرینش تبیین می‌نماید. با تحلیل و تبیین جایگاه قوامیت می‌توان دریافت که مردان مدیریت

مسئولیت‌های اجرایی و اقتصادی کانون خانواده را بر عهده دارند و زنان مسئولیت تدبیر، تربیت و سیاست‌گذاری این کانون را؛ چراکه این تعادل حاکی از هم‌سویی طبیعت و شریعت الهی است. دیلمی و خدادادپور در سال ۱۳۸۷ در پژوهش خود تحت عنوان سوء استفاده از حق ریاست شوهر در منع اشتغال همسر به این نتیجه دست یافته است که ریاست شوهر بر خانواده، به موجب ماده ۱۱۰۵ «قانون مدنی»، از اختیارات شوهر است و از مجاری اعمال آن، حق شوهر در منع اشتغال همسر است. این اختیار، که آمیزه است از حق و تکلیف، تا جایی قابلیت اعمال دارد که شوهر از حدود مصالح خانواده تجاوز نکند. به موجب قانون، هر چند کار و فعالیت، از حقوق قانونی و مشروع زن و مرد محسوب می‌شود، اما شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن و شوهر باشد حق اشتغال آن دو را محدود می‌سازد، براین اساس، در صورت رضایت قبلی مرد برای اشتغال زوجه و یا عدم منافات شغل زن با مصالح خانواده و شئون هر یک از آن دو، شوهر نمی‌تواند با اشتغال زوجه مخالفت کند و اگر با اعمال نا به جای حق ریاست خود زوجه را ملزم به ترک شغل خویش کند، زن می‌تواند بر مبنای سوء استفاده از حق و به استناد قواعد مسئولیت مدنی، شوهر را به جبران هر گونه خسارتی که در اثر رهاکردن شغل به او وارد شده است، ملزم کند.

۵. بحث و بررسی

۵-۱. مفهوم‌کاوی ریاست بر خانواده

ریاست بر خانواده به معنای مدیریت، سرپرستی و تصدی امور این نهاد اجتماعی است که در فرهنگ لغت به معنای سروری، فرمانروایی، حکومت، سالاری و زعامت آمده است. در اصطلاح حقوقی و فقهی، ریاست خانواده به معنای اختیار و مسئولیت اداره امور و تصمیم‌گیری‌های کلان خانواده است که عموماً بر دوش مرد گذاشته شده است. این مفهوم در ادبیات اسلامی با اصطلاح «قومیت» گره خورده و در قرآن کریم مبتنی بر آیه ۳۴ سوره نساء «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» است. از منظر تاریخی، ریاست مرد بر خانواده در اکثر جوامع سنتی و مذاهب مختلف مورد پذیرش بوده است. در تمدن‌های باستانی همچون یونان، روم، چین و ایران، اداره امور خانواده بر عهده مرد بوده است. در سنت یهودی-مسیحی نیز مرد به عنوان «سر خانواده» شناخته می‌شود، چنانکه در انجیل آمده است: «مرد سر زن است، همان‌گونه که مسیح سر کلیسا است». ماهیت ریاست در خانواده با سایر اشکال ریاست و مدیریت متفاوت است، زیرا این نوع ریاست با روابط عاطفی، انسانی و اخلاقی درآمیخته است. این تفاوت سبب می‌شود تا اعمال اقتدار در محیط خانواده تابع قواعد خاصی باشد که متناسب با رابطه زوجیت و پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده است. نکته قابل

توجه آن است که ریاست مرد بر خانواده به معنای استبداد و خودکامگی نیست، بلکه مسئولیتی است که برای حفظ نظم و مصلحت خانواده بر عهده وی گذاشته شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: "قوامیت به معنای سلطه و استعلاء نیست، بلکه به معنای قیام به امور و تدبیر شئون است". این ریاست با مشورت، همفکری و احترام متقابل همراه است و محدوده آن نیز توسط شرع و قانون معین شده است. در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی صراحتاً ریاست خانواده را به مرد واگذار کرده است (گل محمدی، ۱۴۰۳). این ریاست منشأ حقوق و تکالیفی برای زوج است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تعیین محل سکونت، اداره امور مالی خانواده، نظارت بر روابط اجتماعی اعضای خانواده، و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم زندگی مشترک. البته این ریاست مطلق نیست و با محدودیت‌هایی مواجه است که مهم‌ترین آنها رعایت مصلحت خانواده، حفظ کرامت و شخصیت زن، و عدم تجاوز به حقوق شرعی و قانونی زوجه می‌باشد. در عصر حاضر، با تحولات اجتماعی و تغییر نقش‌های جنسیتی، مفهوم ریاست خانواده نیز دستخوش تغییراتی شده است. در برخی جوامع غربی، الگوی مشارکتی جایگزین الگوی سنتی ریاست مرد شده است. این در حالی است که در جوامع اسلامی، اصل ریاست مرد همچنان پذیرفته شده، اما تفسیر و اجرای آن با توجه به مقتضیات زمان، تعدیل یافته است. یکی از چالش‌های معاصر در این زمینه، ایجاد توازن میان حفظ اصل ریاست و پاسخگویی به نیازهای جامعه مدرن است. در واقع، هدف از تعیین ریاست برای خانواده، ایجاد نظم و هماهنگی میان اعضا و جلوگیری از تشتت و اختلال در کارکردهای این نهاد مهم اجتماعی است (صالحی نصر، ۱۴۰۳).

۵-۲. مفهوم شناسی قوامیت

قوامیت از ریشه "قوم" و مصدر "قیام" است که در لغت به معنای برپا داشتن، مراقبت، نگهداری، سرپرستی و تدبیر امور آمده است. "قوم" صیغه مبالغه از این ریشه است و به معنای کسی است که به شکل مستمر و قوی به امر سرپرستی و مراقبت می‌پردازد. در بررسی ریشه‌شناسی این واژه، واژه "قائم" نیز از همین ریشه مشتق شده که به معنای برپادارنده و مستقیم‌کننده است. راغب اصفهانی در "مفردات الفاظ القرآن" می‌نویسد: "القیام: الانتصاب، و هو ضد القعود"، یعنی قیام به معنای ایستادن و ضد نشستن است، و در معنای استعاری آن، به معنای برعهده گرفتن مسئولیت و اداره امور است. این واژه در آیه ۳۴ سوره نساء به صورت "قوامون" آمده و مبنای اصلی بحث ریاست مرد بر خانواده در فقه اسلامی است. در ادامه این آیه، دو دلیل برای قوامیت مردان ذکر شده است: "بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ" (به دلیل برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به

بعضی دیگر قرار داده و به سبب انفاق‌هایی که از اموالشان می‌کنند). این دو عامل را می‌توان به ترتیب به تفاوت‌های طبیعی و مسئولیت تأمین معاش تعبیر کرد. مفسران قرآن، معانی متعددی برای واژه قوامیت ذکر کرده‌اند. طبری در "جامع البیان" آن را به معنای "قیام الرجال علی نساءهم بالتأدیب و التدبیر" (قیام مردان بر زنانشان در تأدیب و تدبیر امور) دانسته است. زمخشری در "الکشاف" آن را به معنای "قیامهم علیهن بالأمر و النهی و الحفظ و الرعاية" (قیام آنها بر زنان در امر و نهی و حفاظت و مراقبت) تفسیر کرده است. علامه طباطبایی در "المیزان" می‌نویسد: "القوام مبالغة من القیام علی الشیء، و هو تدبیر أمره و التعهد لحفظه" (قوام صیغه مبالغه از قیام بر چیزی است و آن تدبیر امور و تعهد برای حفظ آن است). نکته مهم در مفهوم قوامیت آن است که این مفهوم متضمن نوعی مسئولیت و تکلیف است، نه صرفاً یک امتیاز و برتری. درواقع، مرد موظف است از همسر خود حمایت کند، هزینه‌های زندگی را تأمین نماید، و در برابر مشکلات و سختی‌ها از او دفاع کند. این نکته در روایات معصومین(ع) نیز مورد تأکید قرار گرفته است (فتحی طریقه و همکاران، ۱۴۰۳). امام صادق(ع) می‌فرماید: "يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لِنَلَا يَتَمَتُّوا مَوْتَهُ" (بر مرد واجب است که بر خانواده‌اش گشایش ایجاد کند تا آنها آرزوی مرگ او را نکنند). برخی مفسران معاصر معتقدند که قوامیت مردان بر زنان، به معنای برتری ذاتی یا فضیلت انسانی آنها نیست، بلکه به دلیل تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و تقسیم مسئولیت‌ها در نظام خانواده است. آیت‌الله مطهری در کتاب "نظام حقوق زن در اسلام" می‌نویسد: "قوامیت مرد در خانواده نه به معنای مالکیت او نسبت به زن است و نه به معنای برتری و فضیلت انسانی او، بلکه به معنای مسئولیت خاصی است که از نظر سازمان خانوادگی به عهده او گذاشته شده است". از منظر فقهی، قوامیت مرد بر زن، مشروط به توانایی‌های او در انجام وظایفش از جمله تأمین نفقه است و در صورت عدم توانایی یا کوتاهی در انجام این وظایف، اصل قوامیت نیز می‌تواند مورد تردید قرار گیرد. فقهای معاصر چون آیت‌الله مکارم شیرازی تصریح کرده‌اند که قوامیت مرد مشروط به تأمین نفقه و رعایت مصالح خانواده است. همچنین باید توجه داشت که قوامیت به معنای اختیار مطلق مرد در همه امور زندگی مشترک نیست، بلکه محدود به مواردی است که به مصلحت خانواده و حفظ کیان آن مربوط می‌شود. در امور شخصی زن مانند اموال او، حق تحصیل، و حقوق انسانی، مرد حق دخالت و محدودسازی ندارد، مگر در مواردی که به اساس خانواده آسیب وارد شود (عادلی و همکاران، ۱۴۰۳).

۳-۵. بررسی روایات مرتبط با ریاست بر خانواده در فقه اسلامی

روایات منقول از پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع)، منبع مهمی برای استنباط احکام مربوط

به ریاست بر خانواده در فقه اسلامی هستند. این روایات، جنبه‌های مختلف ریاست بر خانواده را تبیین کرده و حقوق و تکالیف زوجین را مشخص می‌کنند. یکی از مهم‌ترین روایات در این زمینه، حدیث مشهور "الرجل راع فی أهله و هو مسئول عن رعیتة" (مرد در خانواده‌اش سرپرست است و در برابر آنها مسئول است) است که در منابع روایی اهل سنت و شیعه نقل شده است. این حدیث، ضمن تأیید سرپرستی مرد، بر مسئولیت او نیز تأکید می‌کند. روایت دیگری که بر مسئولیت مرد در تأمین نفقه تأکید دارد، حدیث "يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لِنَلَا يَتَمَتُّوا مَوْتَهُ" (بر مرد واجب است که بر خانواده‌اش گشایش ایجاد کند تا آنها آرزوی مرگ او را نکنند) است. این روایت نشان می‌دهد که مرد موظف است سطح مناسبی از رفاه را برای خانواده‌اش فراهم کند. در خصوص رفتار با همسر، روایات متعددی بر ضرورت رفتار نیکو و احترام‌آمیز تأکید دارند. از جمله حدیث "خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی" (بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهترین باشد و من بهترین شما برای خانواده‌ام هستم) که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است. همچنین روایت "استوصوا بالنساء خیراً" (با زنان به نیکی رفتار کنید) که در خطبه حجة الوداع ایراد شده، بر ضرورت رعایت حقوق زنان و پرهیز از ظلم به آنها تأکید دارد. در مورد حق تأدیب، روایاتی نقل شده که محدودیت‌هایی برای آن ایجاد کرده‌اند. از جمله روایت "ولا تضربوهن ضرباً مبرحاً" (و آنان را ضرب شدید نزنید) و روایت "لا يضرب الرجل امرأته علی کل ذنب" (مرد نباید همسرش را برای هر گناهی بزند). این روایات نشان می‌دهند که حق تأدیب محدود است و نباید به آزار جسمی زن منجر شود. در منابع روایی شیعه، احادیث متعددی از ائمه معصومین (ع) نقل شده که بر حقوق زنان و لزوم رعایت آنها تأکید دارند. از جمله روایتی از امام صادق (ع) که می‌فرماید: "رحم الله عبداً أحسن فیما بینه و بین زوجته فإن الله عز وجل قد ملّکة ناصیتها و جعله القیم علیها" (خداوند رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و همسرش نیکی کند، زیرا خداوند او را بر همسرش مسلط کرده و او را سرپرست او قرار داده است). در مجموع، روایات منقول در فقه اسلامی، تصویری متعادل از ریاست بر خانواده ارائه می‌دهند که در آن، ضمن تأیید سرپرستی مرد، بر مسئولیت‌ها و تکالیف او و لزوم رعایت حقوق زن تأکید شده است (نواده مشکوه و همکاران، ۱۳۹۵).

۴-۵. نقش قواعد فقهی در تبیین ریاست بر خانواده

قواعد فقهی، به عنوان اصول کلی حاکم بر استنباط احکام، نقش مهمی در تبیین ریاست بر خانواده و تعیین حدود و آثار آن دارند. این قواعد، چارچوب کلی اعمال ریاست را مشخص می‌کنند و مانع از سوء استفاده از این جایگاه می‌شوند. یکی از مهم‌ترین قواعد در این زمینه، قاعده "لا ضرر و

لاضرار فی الاسلام" (در اسلام ضرر زدن و ضرر دیدن جایز نیست) است. این قاعده که مبتنی بر حدیث مشهور نبوی است، حدود مهمی بر اعمال ریاست مرد ایجاد می‌کند. بر اساس این قاعده، مرد نمی‌تواند از جایگاه ریاست خود برای اضرار به همسر یا فرزندان استفاده کند. در صورت سوء استفاده مرد از جایگاه خود، زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کرده و درخواست رفع ضرر کند. قاعده دیگر، "المعروف عرفاً کالمشروط شرطاً" (آنچه در عرف معروف است، مانند آن است که در ضمن عقد شرط شده باشد) است. این قاعده در تعیین مصادیق حقوق و تکالیف زوجین نقش مهمی دارد. بر اساس این قاعده، آنچه در عرف جامعه به عنوان رفتار متعارف زوجین شناخته می‌شود، الزام‌آور است، حتی اگر در عقد ذکر نشده باشد. به عنوان مثال، نحوه معاشرت، میزان نفقه، و حدود اختیارات مرد، تا حد زیادی به عرف جامعه واگذار شده است. قاعده "العاده محکمة" (عادت حکم است) نیز در همین راستا قابل ذکر است. قاعده "السلطنة" یا "الناس مسلطون علی اموالهم" (مردم بر اموال خود مسلط هستند) نیز در تبیین استقلال مالی زن نقش مهمی دارد. بر اساس این قاعده، زن در تصرف در اموال خود آزادی کامل دارد و زوج نمی‌تواند مانع تصرفات او شود. این قاعده، محدودیت مهمی بر گستره ریاست مرد ایجاد می‌کند. قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" (ضرورت‌ها، ممنوعیت‌ها را مباح می‌کند) نیز در مواردی کاربرد دارد. به عنوان مثال، در صورتی که ادامه زندگی با شوهر برای زن ضرر جانی داشته باشد، او می‌تواند درخواست طلاق کند، حتی اگر شوهر راضی نباشد. قاعده "الحرج مرفوع فی الدین" (سختی و مشقت در دین برداشته شده است) نیز در تعدیل برخی احکام مربوط به ریاست مرد کاربرد دارد. بر اساس این قاعده، زن می‌تواند در صورت عسر و حرج، درخواست طلاق کند. در مجموع، قواعد فقهی با ایجاد چارچوب‌های کلی برای اعمال ریاست مرد، نقش مهمی در تعدیل و متعادل‌سازی این جایگاه دارند و مانع از تبدیل آن به ابزاری برای ظلم و استبداد می‌شوند (کاغذلو و همکاران، ۱۳۹۹).

۵-۵. تفسیر آیه قوامون و تأثیر آن بر احکام خانوادگی

آیه ۳۴ سوره نساء (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ)، از آیات کلیدی در تعیین احکام خانوادگی در فقه اسلامی است و تفسیر آن تأثیر مستقیمی بر استنباط احکام مربوط به روابط زوجین دارد. مفسران قرآن از گذشته تا امروز، تفاسیر متنوعی از این آیه ارائه کرده‌اند که بازتاب دهنده رویکردهای مختلف به مسئله ریاست بر خانواده است. طبری، از مفسران کلاسیک اهل سنت، در "جامع البیان" واژه "قوامون" را به معنای "قیام الرجال علی نساءهم بالتأديب و التدبیر" (قیام مردان بر زنانشان در تأدیب و تدبیر امور) تفسیر کرده است. زمخشری در "الکشاف" آن را به معنای "قیامهم علیهن بالأمر و النهی و

الحفظ و الرعاية" (قیام آنها بر زنان در امر و نهی و حفاظت و مراقبت) دانسته است. در میان مفسران شیعه، علامه طباطبایی در "المیزان" با رویکردی متفاوت، قوامیت را به معنای "تدبیر امرها و التعهد لحفظها" (تدبیر امور زن و تعهد برای حفاظت از او) تفسیر کرده و تأکید می‌کند که این قوامیت به معنای استعلاء و سلطه نیست. یکی از نکات مهم در تفسیر این آیه، توجه به دو علت ذکر شده برای قوامیت است: "بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ" و "بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ". مفسران در مورد عبارت اول، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی آن را به تفاوت‌های طبیعی چون قدرت جسمانی بیشتر تفسیر کرده‌اند، برخی به تفاوت‌های روانشناختی اشاره کرده‌اند، و برخی آن را به توانایی‌های متفاوت در مدیریت و تدبیر امور تفسیر کرده‌اند. (حسینی طهرانی، ۱۴۰۱).

خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره نساء با تعبیر «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» قوام بودن مردان بر زنان را بیان کرده است، ولی در اینکه مقصود از رجال و نساء در آیه، جنس مردان و زنان است یا باتوجه به سیاق آیه فقط شوهران و همسران ایشان مقصودند، اختلاف نظر وجود دارد. طبیعی است مطابق احتمال نخست، زمینه برای اینکه زنان از تصدی هرگونه پُست متضمن ولایت منع شوند، آماده‌تر است، درحالی‌که بنابر احتمال دوم، مفاد آیه به حوزه خانواده اختصاص می‌یابد، نه فراتر از آن و توسعه محتوای آن به غیر خانواده، نیازمند برخی تلاش‌های بیرونی است (علیدوست و لطفی، ۱۳۹۹).

دو دیدگاه در مقصود از «الرجال» در آیه شریفه مطرح است؛ دیدگاهی که با تکیه بر تفسیر مذکور در آیه، قوامیت را نه تنها برای همسران، بلکه برای تمامی مردان نسبت به زنان ثابت می‌شمارد و استعمال‌های قرآنی این واژه نیز مؤید آن محسوب می‌شود. دیدگاه دیگر برای شأن نزول و سیاق آیه نقشی تعیین‌کننده قائل است و توسعه مدلولی آیه از محیط خانواده را درست نمی‌داند. نهایتاً ترازو را در طرف معنای دوم سنگین‌تر دانسته و در نهایت به اراده معنای همسران و نه مطلق مردان در این آیه شریفه قائل شد. توضیح آن بهتر این وجه برای رد اراده معنای همسران از آیه، عبارت است از اینکه گفته شود اگر مدلولی آیه به فضای خانواده اختصاص داشت، چرا خداوند از واژه «الرجال» و آن هم به طور مطلق برای بیان مقصود خود استفاده کرده است، در حالی که کاربست واژه‌هایی چون «بعول» و «ازواج» در قرآن مأنوس و معهود بوده، در غالب موارد استعمال واژه «الرجال» و معنای لغوی آن مورد نظر خداوند بوده است؟ در پاسخ باید گفت قوامیت در محیط خانواده فقط مخصوص شوهرها بر همسران خود نیست، بلکه پدر و جد پدری در صورت نبود پدر نیز بر زنان خانواده ولایت دارند و شاید به خاطر این کاربست گسترده واژه‌هایی هم چون «الازواج» صرف نظر کرده و واژه «الرجال» را به کار برده است و اگر از این وجه صرف نظر شود سیاق آیه (مجموعه دو آیه) نمی‌گذارد برای توسعه گستره آن، ظهور و شمولی بماند. بسیاری از مفسران و برخی فقها، قوامیت را به معنای دارا بودن

ولایت و سلطه در اداره امور تفسیر کرده‌اند، اما در مقابل، احتمال دیگری مطرح است که قوامیت صرفاً به مسئولیت اجرایی مردان نسبت به زنان بدون ولایت اشاره دارد. فاضل مقداد، مانند بسیاری دیگر، از طرفداران دیدگاه اول است و می‌نویسد: «أن الرجال قوامون على النساء یعنی لهم عليهن قیاما الولایة والسیاسة» (سیوری حلی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۱۲). در مقابل، یکی از نویسندگان امروزی می‌گوید: در بررسی معنای قیام، مفهوم حفاظت و اصلاح به ذهن می‌رسد و این همان چیزی است که در کلام خداوند آمده: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و همچنین آیه «الا ما دمت علیه قائماً» یعنی همراه و محافظ. این معنا در لسان العرب نیز ذکر شده است. ابن منظور این آیه را به عنوان شاهد آورده و می‌گوید: «یقیم المرأه یعنی زوج المرأه؛ یعنی مرد برای زن و نیازهای او قیام می‌کند ... قیم زن، شوهر اوست یعنی مرد به احتیاجات زن خود رسیدگی می‌کند و اینکه در قرآن فرموده «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» به این معناست (و الله اعلم) یعنی مردان عهده‌دار نیازهای زنان و یاری‌دهنده آنها در امورشان هستند» (پیروز، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹-۱۴۰).

ما بیان دیدگاه نهایی خود را درباره معنای واژه «الرِّجَالُ» به بحث از معنای کاربردی آیه موكول می‌کنیم. نکته سوم: استدلال فقهی بر آیت شریفه بر این اساس است که محتوای آیه را انشای حکم شرعی بدانیم، نه گزارشی از یک امر تکوینی؛ به عبارت دیگر، خداوند با بیان قوامیت مردان بر زنان، حکمی الهی در نظام تشریح را بیان می‌کند، یعنی این جمله از عهده‌داری مردان در امور زنان در جهان تکوین خبر می‌دهد؛ به‌ویژه اگر این بخش از آیه مقدمه‌ای برای دستورات بعدی باشد. واضح است که با وجود چنین احتمالی در اطراف آیه، استناد فقهی به بخش «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» ممکن نیست. همچنین، به نظر می‌رسد که درک مفسران و بحث‌کنندگان از آیه، نشان‌دهنده ظهور عرفی و فهم مخاطبان است و تا جایی که ما می‌دانیم، هیچ پژوهشگری این بخش از آیه را به عنوان خبر تلقی نکرده است. علاوه بر آن، اگر فرضیه خبری بودن آیه پذیرفته شود، با توجه به اینکه خداوند این امر تکوینی را در قرآن نقل کرده، برای آن دلیل آورده و دستوراتی بر آن بار کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که این امر تکوینی در نظام تشریح الهی نیز تأیید شده است. ضمن اینکه گاهی به «اصل بودن آیه در مقام بیان شرع» استناد می‌شود و خبری بودن محتوای آیه رد می‌گردد. بنابراین، به نظر می‌رسد معنای کاربردی این آیه و آیه بعدی این است که شوهران به دلیل برتری جسمانی، برتری در تدبیر و عقل، و مسئولیت پرداخت نفقه، عهده‌دار مدیریت خانه نسبت به زنان هستند، نه بیشتر. البته برخی زنان این برنامه را نمی‌پذیرند: «تخافون نشوزهن» و اداره خانه را مختل می‌کنند. در اینجا مردان باید به راه‌حلی روی آورند: «فعضوهمن ...». البته گاهی نیاز به دخالت نیروی خارجی است، وگرنه طبیعی است که ابتدا با خوددرمانی و قرنطینه خانگی، زن و شوهر مشکل خود را حل کنند و آن را به

بیرون نکشانند، در چنین شرایطی گزینه حکمیت مطرح می‌شود: «وإن خفتم شقاق بينهما...» (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۲۶). با توجه به معنای کاربردی آیه، سه نکته کلیدی از آن برداشت می‌شود:

- مقصود مستقیم و اصلی از مردان و زنان، شوهران و همسران هستند؛

- مقصود از قیامت، تدبیر و اداره خانه با محوریت شوهر است؛

- منظور از نشوز، مخالفت زن در اداره خانه است (علیدوست و لطفی، ۱۳۹۹).

۵-۶. جایگاه عرف در تعیین احکام ریاست بر خانواده

عرف به عنوان یکی از منابع مهم استنباط احکام فقهی و حقوقی، نقش مهمی در تعیین مصادیق و حدود ریاست بر خانواده دارد. قواعد فقهی متعددی بر اعتبار عرف دلالت دارند، از جمله "العادة محكمة" (عادت حکم است) و "المعروف عرفاً کالمشروط شرطاً" (آنچه در عرف معروف است، مانند آن است که در ضمن عقد شرط شده باشد). در موضوع ریاست بر خانواده، عرف در تعیین مصادیق متعددی نقش دارد. نخست، در تعیین مصداق و میزان نفقه، عرف نقش اساسی دارد. ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران، نفقه را "نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن" تعریف کرده که تشخیص آن به عرف واگذار شده است. آنچه امروز به عنوان نفقه متعارف شناخته می‌شود، با آنچه در گذشته متعارف بوده، متفاوت است و این تفاوت ناشی از تغییر عرف و شرایط زندگی است. دوم، در تعیین مصادیق معاشرت به معروف، عرف نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی بر حسن معاشرت زوجین تأکید دارد، اما مصادیق آن را مشخص نکرده است. این مصادیق با توجه به عرف هر جامعه و زمان متفاوت است و قضات در رسیدگی به دعاوی خانوادگی، ناگزیر به مراجعه به عرف هستند. سوم، در تشخیص مصادیق شغل منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات زوجین (موضوع ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی)، عرف نقش مهمی دارد. آنچه امروز به عنوان شغل مناسب یا نامناسب شناخته می‌شود، با گذشته متفاوت است و این تغییر ناشی از تحولات اجتماعی و فرهنگی است. چهارم، در تعیین حدود اختیارات مرد در نظارت بر روابط اجتماعی زوجه، عرف نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. آنچه امروز به عنوان روابط اجتماعی متعارف زنان شناخته می‌شود، با گذشته تفاوت‌های قابل توجهی دارد. نکته مهم آن است که عرف در طول زمان و بر اساس تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌کند. از این رو، برخی از احکام مربوط به ریاست بر خانواده که متأثر از عرف هستند نیز ممکن است در طول زمان تغییر کنند. این تغییرات را می‌توان در آرای قضایی و نظرات فقهای معاصر مشاهده کرد. به طور کلی، عرف به عنوان یکی از عوامل مهم در تعیین مصادیق و حدود ریاست بر خانواده، امکان انعطاف و تطابق احکام با شرایط متغیر جامعه را فراهم می‌آورد (میرهاشمی و همکاران، ۱۴۰۲). یکی از اصول حاکم بر تفسیر متون دینی که نقش مهم و تأثیرگذاری در فرآیند

استنباط احکام ایفا می‌کند، ارتکاز عرف است. ارتکاز عرف به معنای تلقی و درک اولیه مردم نسبت به چیزی است که در عمق ذهن و افکار آنها نفوذ کرده و در نظام گفتگو همواره مورد توجه طرفین قرار می‌گیرد (عندلیب و همکاران، ۱۳۹۷).

حال سؤال اصلی این است که آیا ارتکاز نقش در استنباط احکام فقهی-حقوقی دارد؟ آیا شخص مسئول استنباط الزاماً باید به ارتکاز عرف توجه کند؟ با توجه به اینکه شارع مقدس در مقام تشریح با مردم و برای هدایت آنان سخن می‌گوید و بنابراین به ارتکازات آنان توجه دارد و اگر در موردی آن را قبول ندارد، صریحاً اعلام می‌کند تا جلوی انحراف مردم گرفته شود. فقهای عظام نیز در تفسیر متون دینی بارها به این قاعده تمسک کرده‌اند و استنباط حکم شرعی را با توجه به این مهم انجام داده‌اند. لازم به ذکر است که در برخی موارد به «استظهارات عرفی» نیز عنوان «ارتکاز» داده شده است. به عنوان نمونه، آیت‌الله سبحانی استظهار عرفی از روایات را معتبر دانسته و آن را ارتکاز نامیده است (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۷۰-۲۷۱).

۶. نتیجه‌گیری

ریاست بر خانواده در حقوق ایران و مذاهب خمسسه به طور عمده مبتنی بر مفهوم "قومیت" است که در قرآن کریم، به‌ویژه در آیه ۳۴ سوره نساء، به مردان نسبت داده شده است. در این آیه آمده است: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ" که به معنای مسئولیت مرد در سرپرستی و اداره امور خانواده است. این مفهوم در حقوق ایران در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز منعکس شده که بیان می‌دارد: "ریاست خانواده از خصائص شوهر است." در حقوق ایران، ریاست مرد بر خانواده نه تنها به عنوان یک حق، بلکه به عنوان یک تکلیف و مسئولیت نیز شناخته می‌شود. مرد در این موقعیت باید وظایفی همچون تأمین نفقه، نظارت بر امور خانوادگی، و حفظ مصلحت خانواده را بر عهده بگیرد. این ریاست محدود به برخی مسائل خاص است و مرد نمی‌تواند در همه موارد از این اختیار استفاده کند. به‌طور مثال، مرد حق ندارد در امور مالی زن دخالت کند و همچنین باید حقوق و کرامت زن را در نظر بگیرد. در مذاهب خمسسه نیز، اصل قومیت و ریاست مرد بر خانواده پذیرفته شده است، اما هر مذهب فقهی به نحوی متفاوت به این موضوع پرداخته است. در مذهب حنفی تأکید بر آزادی عمل زن در مسائل مالی و شخصی دارد. در این مذهب، مرد نمی‌تواند مانع تصرفات مالی زن شود و حقوق زن در امور مالی بیشتر محفوظ است. مذهب مالکی تأکید بیشتری بر اطاعت زن از شوهر دارد و معتقد است که زن باید در مسائل مختلف از شوهر خود تبعیت کند، به‌ویژه در مواردی که به مصلحت خانواده مربوط می‌شود. مذهب شافعی نشوز زن را به عنوان خروج از اطاعت شوهر تعریف کرده و این امر

می‌تواند موجب سقوط نفقه شود. مذهب حنبلی بیشتر بر نصوص قرآن و سنت تأکید دارد و در مواردی که توافق ضمن عقد وجود نداشته باشد، زن و مرد باید به توافقات شرعی پایبند باشند. مذهب جعفری (شیعه) ریاست مرد بر خانواده را پذیرفته است، اما این ریاست محدود به شرایط شرعی و مصلحت خانواده است و در مواردی که به حقوق زن آسیب برسد، مرد حق دخالت ندارد. در نهایت، با توجه به تحولات اجتماعی و تغییر نقش‌های جنسیتی در جامعه معاصر، تفسیر و اجرای مفهوم ریاست بر خانواده نیازمند توجه به مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی است. این تفسیر باید همواره در چارچوب اصول شرعی و با رعایت حقوق و کرامت زنان صورت پذیرد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۵) الخصال. (جلد ۱). انتشارات اندیشه هادی.
- احمدی، علی؛ مشکوه، سید سروش (۱۳۹۵) «مدیریت خانواده در اسلام ریاست خانواده و مدیریت روابط زوجین در جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر تحلیل مضمون قاعده الرجال قوامون علی النساء»، اولین کنفرانس ملی مدیریت و مهندسی پیشرفت.
- احمدی نژاد، علی اکبر، نیما احمدی نژاد. (۱۳۹۹). ریاست شوهر بر خانواده در پرتو فقه و حقوق اسلامی. بوتیا.
- ادریسی و جریریان (۱۳۹۵). «تحلیل فقهی و حقوقی اختیار زوج در منع زوجه در تصمیمات شخصی و خانوادگی»، پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان شناسی و مطالعات اجتماعی ایران.
- اسدی، لیلیاسادات. (۱۳۹۸). «جرایم مرتبط با نکاح و روابط خانوادگی. قوه قضائیه، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم»، مرکز مطبوعات و انتشارات.
- امیرخانی، شکیبا؛ مرضیه قره شیخ بیات. (۱۴۰۲). «بازپژوهی فقهی حدود اختیارات زوج در طلاق». فقه مقارن ۲۲. ۱۹۹-۲۱۸.
- انگوتی، سمیه. (۱۴۰۱). ولایت در نکاح در مذاهب خمسسه. امتداد حکمت.
- بصری، حمیدرضا (۱۳۹۶). «سوءاستفاده از سمت ریاست بر خانواده»، فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۸، شماره اول.
- پروین، حسینی، وحیده. (۲۰۱۳). شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه. پژوهش حقوق خصوصی، ۳۱(۳): ۶۵-۹۴.
- پروین، فرهاد؛ حسینی، وحیده (۱۳۹۲). «شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه»، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره سوم.
- توان، عباس، زهرا سلیمانی فرد. (۲۰۲۳). «تأثیر معنادرمانی مبتنی بر ارزش های اسلامی-ایرانی بر تعارضات زناشویی و جهت گیری مذهبی زوجین دارای تعارضات زناشویی». سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت. شماره ۴. پیاپی ۳۶.
- ثمنی، لیلیا؛ زهره احدی یار. (۱۳۹۰). «حقوق غیرمالی زوجین از دیدگاه مذاهب خمسسه». شورای فرهنگی اجتماعی زنان، روابط عمومی.
- جاویدان، ثریا. (۱۴۰۳). «نقد و بررسی احکام مترتب بر تخلف از شروط در ضمن عقد نکاح در فقه مذاهب اسلامی». امتداد حکمت.
- حجت صادق پور. ۱۴۰۳. «ریاست بر خانواده در حقوق ایران و فرانسه (بررسی تطبیقی)». نامه خرد.
- حسینی، فاطمه سادات؛ صالحی، الهام (۱۳۹۸). «بررسی حقوق مالی زوجه بعد از طلاق از منظر حقوق خانواده»، چهارمین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی.
- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷). ترجمه رساله بدیعه در تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم. علامه طباطبایی.
- خلاف، عبدالوهاب؛ فیروز منصوری. (۱۴۰۲). «حقوق خانواده در فقه حنفی و حقوق مصر». نورالامین.

- خن، مصطفی سعید؛ مصطفی بغا؛ علی شریجی؛ محمدعزیز حسامی؛ فرزاد پارسا؛ فرید قادری. (۱۳۸۸). «فقه منهجی (فقه روشمند و استدلالی) در مذهب امام شافعی رحمه‌الله: در احکام خانواده و ملحقات آن: نکاح، طلاق، نفقات، حضانت، رضاع، نسب، لقیط، وقف، وصیت، فر». کردستان.
- دادمرزی، سیدمهدی. (۱۳۹۴). ریاست خانواده در روابط زوجین. میزان.
- دانش‌پژوه، مصطفی. (۱۴۰۱). «تعارض دادگاه‌ها: مطالعات تطبیقی حقوق موضوعه و فقه و حقوق اسلامی با تاکید بر احوال شخصیه». پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۶). لغت نامه دهخدا؛ جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- دوازده امامی، فائزه (۱۳۹۹). «ریاست شوهر به در خانواده در جهت حمایت از افراد خانواده و استحکام خانواده»، دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی.
- دیلمی، احمد؛ خدادادپور، منیره (۱۳۸۷). سوء استفاده از حق ریاست شوهر در منع اشتغال همسر، نشریه: مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، دوره ۶، شماره ۲.
- راضیه فقیهی، رحمان عشریه. (۱۳۹۷). «نقش تربیتی آموزه‌های قرآنی در تبیین وجایگاه خانواده». چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۶). ترجمه مفردات الفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا. انتشارات سبحان رضایی، زهراسادات؛ دهقانی، محسن؛ حیدری، محمود (۱۳۹۶). «کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواده: نقش تاب آوری و کارکرد خانواده مبتنی بر مدل مک مستر»، نشریه: خانواده پژوهی، دوره ۱۳، شماره ۵۱.
- رضاییان، جواد (۱۳۹۳). «بررسی جامعه شناختی ارتباط تکرار جرم و مجازات زندان»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵، ص ۴۱-۲۸.
- روحی برندق، کاووس (۱۴۰۱). «تحلیل انتقادی دیدگاه اصولیان فریقین در حل تعارض عرف شرع، عرف عام و لغت و نگاهی نو به مسأله». پژوهش‌های اصولی ۳۱. ۳۵-۶۰.
- روزبهبانی، محمدرضا. (۱۳۹۷). مجموعه مقالات فقهی و حقوق شامل: ۱ - جایگاه فقهی و حقوقی ارتداد از دیدگاه مذاهب خمسہ کتاب آوا.
- زلمی، مصطفی ابراهیم؛ محمود ابراهیمی. (۱۴۰۳). «احکام ازدواج و طلاق در فقه اسلامی پژوهشی تطبیقی (بر اساس منابع اهل سنت)». احسان.
- زنجانی‌زاده‌اعزازی، هما؛ صنعتی، اسماعیلی‌یزدی. (۲۰۱۲). «سنجش میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده و عوامل مؤثر بر آن». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲۶(۷)، ۱۱-۲۶.
- سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۲۴). إرشاد العقول الی مباحث الأصول، توحید، قم.
- سلیمانی اصل، مصطفی. (۱۳۹۲). روابط خانوادگی در اسلام. قائم شاهیندژ.
- سیفی، غلامعلی؛ شاهمرادی، مهرانگیز (۱۳۹۸) «مطالعه تطبیقی حقوق غیرمالی زوج در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۸۶.
- سیوری حلی، (۱۴۲۵) مقدمات بعدالله؛ کنز‌العرفان فی فقه‌القرآن؛ قم: انتشارات مرتضوی.
- شریفی‌زاده، صدیقه؛ سیدامیرعباس موسوی‌عراقی. (۱۳۹۸). نقش احکام فقهی نکاح و طلاق در تحکیم بنیان خانواده. اندیشه عصر.

- شعاعی، علی اصغر (۱۴۰۲). «مفهوم قوامیت در قرآن (نساء/ ۳۴): مرور انتقادی آراء مفسران». پژوهش‌نامه نقد آرای تفسیری ۱. ۲۲۳-۲۵۰.
- شعبانی، محمدحسین، حسن شاهعلی. (۱۳۹۲). «احکام و آثار پرداخت نفقه زوجه در مذاهب خمس». دانشگاه پیام نور استان مازندران - پژوهش‌شکده علوم انسانی و اجتماعی.
- شفیعی فیئی، حسین؛ محبوبه مبینی نژاد. (۱۳۹۵). «نقد و بررسی ریاست زوج بر زوجه در فقه و حقوق ایران». دانشگاه خوارزمی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- شوقی، مریم (۱۳۹۳) «ریاست خانواده از دیدگاه اسلام؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی»، دوره ۲۲، شماره ۸۶.
- صابونی، محمدعلی؛ فرزاد پارسا، عثمان نقشبندی. (۱۳۸۹). «تفسیر آیات احکام (تفسیر آیات قرآنی مشتمل بر احکام شرعی)». کردستان.
- صادقی، شهره. (۱۳۹۸). نفقه زوجه در مذاهب خمس. موسسه بوستان کتاب.
- صالحی نصر، فاطمه. (۱۴۰۳). «تزام حق مسکن و ریاست خانواده در فقه و نظام حقوقی ایران». کلید پژوه.
- صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۸) مختصر حقوق خانواده، نشر میزان.
- عادلی، عبدالحکیم؛ سید حمید جزائری، حسین بستان نجفی. (۱۴۰۳). «بررسی شبهات نقش هزینه مالی در قوامیت مردان و پاسخ به آن». قرآن و علم ۳۴. ۲۸۳-۳۰۸.
- عباسی مزرعه‌شاهی، حمیده. (۱۳۹۸). «حرمان در ارث: در مذاهب خمس». موسسه آموزشی تالیفی ارشدان.
- عبداله زاده گوهری، عارف، وحید خوش روش. (۱۳۹۷) «رابطه جهت گیری مذهبی با مسولیت پذیری زوجین». چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و مطالعات رفتاری ایران.
- عظیم زاده، محمد (۱۳۸۷). «قوامیت مرد از نگاه قرآن کریم و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۸۶.
- ، علیآقا، پیروز (۱۳۹۶). بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، غلاسوند. (۲۰۱۲). «نقش مردان در مدیریت خانواده». پیام زن. ۱۳۹۱(۲۴۶).
- علامه حلی، (۱۴۰۵) تَحْرِیرُ الْأَحْکَامِ الشَّرْعِیَّةِ عَلَی مَذْهَبِ الْإِمَامِیَّةِ، ترجمه محمد اخوان، نشر مهکام.
- عمرانی، ابودر، حمیدی، علی اکبر (۱۳۹۹). «تحلیل فقهی و حقوقی اختیار زوج در منع زوجه در تصمیمات شخصی و خانوادگی»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران.
- غلامی، علی. (۱۳۹۸). «زن در اندیشه اسلامی: هویت خانوادگی و اجتماعی زن در نظام جنسیت و خانواده در اسلام». مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- غلامی، مجتبی. (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی زوجین (بررسی تطبیقی فقه و حقوق موضوعه ایران)». نسیم دانش فردا.
- عندلیب، حسین؛ حیدری، م. ع؛ توکلی، ا. ر. (۱۳۹۷). «جایگاه «ارتکاز» در تفسیر متون دینی، حقوق معاملات و مسائل اصولی». پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۵(۵۴)، ۱۰۹-۱۲۸.
- فاضلی، حسین؛ سعید مهربانی. (۱۴۰۲). «مفهوم قوامیت مرد در خانه از منظر منابع تفسیری شیعه و اهل سنت». هفتمین کنفرانس ملی مطالعات میان رشته‌ای علوم دینی و حوزوی.

- فتحی طریقه، مرجانه؛ عباس اسماعیلی زاده؛ غلامرضا رئیس‌یان. (۱۴۰۳). «بازخوانی قرآنی مسئله «قومیت مردان بر زنان» در آیه ۳۴ سوره نساء». علوم قرآن و حدیث ۱. ۲۰۱-۲۲۸.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
- کاغذلو، مهسا؛ حاحیعلی، فریا (۱۳۹۹) «ماهیت، قلمرو و آثار ریاست مرد بر خانواده»، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ.
- کریمی‌نیا محمد مهدی؛ محمدرضا علیرضالو، محبتی انصاری مقدم. (۱۴۰۰). «تحلیل فقهی حقوقی شروط ضمن عقد رهن با نگاهی به آیات قرآن کریم». دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی ۱-۳۶.
- گل محمدی، علی اصغر. (۱۴۰۳). «تأثیر ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ایران در تحکیم بنیان خانواده». سومین همایش ملی تحکیم و تعالی بنیان خانواده.
- گنای، غلام حسین؛ سید ذکی موسوی. (۱۳۹۹). «حضانت و احکام آن از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام». مهندسی صنایع و برنامه ریزی سیستم‌ها ۲. ۹۹-۱۳۲.
- لطفی، علیدوست؛ ابوالقاسم، محمدرضا، (۱۳۹۹). «آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و تصدی زنان نسبت به پُست‌های متضمن ولایت». دوفصلنامه علمی- پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۱۲(۱۲)، ۷-۲۶.
- مبارز، محمدرضا. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی مبانی قرآن شناسانه استحکام خانواده از دیدگاه منابع تفسیری اهل سنت و شیعه». نخستین همایش ملی چالشها و راهکارهای تعالی نهاد خانواده در مذاهب اسلامی با محوریت آسیب‌های اجتماعی.
- مجد، محبتی. (۱۴۰۱). «مسئولیت سازی مالی شارع برای زوج در قبال زوجه (امکان سنجی تسری حق حبس به نفقه زوجه)». ششمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی.
- محمدی‌نوری، محمدرضا. (۱۳۹۳). «آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت؛ نهادهای سیاسی و حقوق اساسی ملت: خلاصه‌ای از صلاحیت‌های قانونی؛ رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای ...»، هوشمند تدبیر.
- محمدی‌ارانی، اکرم؛ فائزه عظیم‌زاده‌اردبیلی؛ لیلا خسروی. (۱۳۹۳). «نقش عرف در تفسیر قوانین خانواده». میزان.
- محمدی، صغری. (۱۳۹۹). «اثر ریاست زوج بر حریم خصوصی زوجه در حقوق افغانستان و ایران با تأکید بر فقه حنفی و امامیه». پژوهشنامه اسلامی حقوق ۲. ۳۳-۴۵.
- محمودی، عباس. (۱۳۹۷). شرایط صحت طلاق در مذاهب خمسسه. راه دکتوری.
- مصطفوی فرد و ایمان دار (۱۳۹۶) «رویکرد اندیشوران شیعه به مفهوم قومیت مرد در آیه ۳۴ سوره نساء».
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۸). نظام خانوادگی اسلام. صدرا.
- معلم، محمد؛ سید جواد خاتمی، موسی حکیمی صدر. (۱۴۰۱). «تنظیم خانواده در اسلام با نگاهی به قواعد فقهی و اصول عملی». نشریه فقه و حقوق نوین ۱۱. ۶۵-۷۶.
- مغنیه، محمدرضا، کاظم پورجوادی، علی پورجوادی. (۱۳۸۶). «فقه تطبیقی: مذاهب پنجگانه جعفری - حنفی - مالکی - شافعی - حنبلی». سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مفیدی؛ صلاح‌الدین. (۱۳۸۸). نگرشی بر احکام فقه شافعی در مذهب امام شافعی (ره) (ویژه استخدام). تافگه.
- مقدادی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). «ریاست خانواده: بررسی ماده ۱۱۰۵ ق.م. شورای فرهنگی اجتماعی زنان»، روابط عمومی.

- مقصودی، رضا؛ عبدالله رستمی؛ سیده فاطمه اسلامی. (۱۳۹۳). «مطالعه مفهوم و نتایج ریاست بر خانواده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی». دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- موسوی، سیده‌خورشید. (۱۴۰۳). مقایسه نفقه در ایران و ترکیه. سنجش و دانش.
- موسوی، صالحه سادات؛ نجیب الله نوری. (۱۳۹۹) «آثار احترام بین زوجین در زندگی مشترک». نشریه مطالعات روان‌شناسی با رویکرد اسلامی ۲. ۳۱-۴۵.
- نصیری خوزانی، مصطفی؛ عبدالرسول دینانی، سمیه الجبوری. (۱۳۸۹). «بررسی قوانین و احکام فقهی مربوط به حضانت در مذاهب اسلامی و حقوق مدنی ایران». دانشگاه پیام نور - دانشگاه پیام نور استان تهران - دانشکده علوم انسانی.
- نعمتی، علی، میثم حجام. (۱۳۹۴). احکام شرعی و قانونی تنظیم خانواده. لوح سفید.
- نوالدینی، حسین؛ محمد امامی. (۱۴۰۱). مبانی فقهی حقوقی ارث و احکام آن. سمن.
- نواده مشکوه، سیدسروش؛ حسین علی احمدی. (۱۳۹۵). «مدیریت خانواده در اسلام ریاست خانواده و مدیریت روابط زوجین در جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر تحلیل مضمون قاعده الرجال قوامون علی النساء». اولین کنفرانس ملی مدیریت و مهندسی پیشرفت.
- نوروزی محمدجواد، علی اکبر اسمعیلی. (۱۴۰۳). «بررسی نفقه زنان در حقوق ایران از منظر فقه و حقوق». اولین همایش ملی تاثیر متقابل حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین.
- وکیللی، عبدالله. (۱۳۹۵). مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی در اسلام. بنی الزهرا (س).